

اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت (ع)

علی‌همت بناری *

چکیده

هدف پژوهش عبارت بود از استخراج اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت (ع)؛ به این منظور از روش تحلیل نظری رفتار و گفتار آنان، به عنوان الگوی رفتاری، استفاده شد؛ از جمله دستاوردهای پژوهش، عبارت است از اصولی مانند: زمینه‌سازی (چون تربیت پیچیده و پیوسته است، باید در هر مقطع سنی، مقدمات تربیت در مقطع بعد فراهم شود)، پیشگیری (باید به آسیب‌های احتمالی در فرایند تربیت و راه اجتناب از آن توجه شود)، تکریم (هر نوع اقدامی که موجب خدشه‌دار شدن حرمت فرزند می‌گردد نامطلوب است)، تدریج (باید برنامه تربیتی به صورت گام‌به‌گام، متناسب با اقتضائات سنی، جنسیتی و... طراحی و اجرا گردد)، توجه به توانایی و ظرفیت متربی (برنامه‌ها باید تناسب با مراحل رشدی فرزندان داشته باشد)، عدم تحمیل بر کودک (والدین باید فرزندان را تا قبل از سن تمییز در انجام فعالیت‌های مورد علاقه و تجربه‌آموزی آزاد بگذارند).

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، اصول تربیتی، آزادی، تدریج، تسهیل، زمینه‌سازی، سیره، سبک زندگی، اهل بیت (ع)، روان‌شناسی خانواده

مقدمه

«سبک زندگی» از مباحثی است که در دو دهه اخیر در دنیا مورد توجه بیشتری قرار گرفته و به‌ویژه در ایران اسلامی، پس از سخنرانی مقام معظم رهبری در بجنورد، به موضوعی مهم در عرصه پژوهش و تبلیغ تبدیل شده است. سبک زندگی، ناظر به الگو و شیوه رفتار و تعامل انسان در عرصه فردی و اجتماعی به‌منظور دستیابی به اهداف مورد نظر است که مبتنی بر ارزش‌ها و ترجیحات فرد در زندگی است (ر.ک: کاویانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶؛ مهدوی کنی، ۱۳۹۰، ص ۷۸؛ فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۸۳؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶). سبک زندگی افراد، بیشتر متأثر از محیط بیرونی و الگوهای گذشته و حاضر در زندگی است که به‌تدریج برای هر فرد شکل می‌گیرد. منبع دریافت سبک زندگی برای فرد مسلمان از اهمیت خاصی برخوردار است. بی‌تردید مطمئن‌ترین و مطلوب‌ترین منبع انتخاب سبک زندگی برای هر مسلمان، سبک زندگی پیامبر و اهل بیت (ع) است. سبک زندگی اهل بیت (ع) ابعاد مختلفی دارد؛ یکی از ابعاد مهم آن، سبک زندگی در تربیت خانواده؛ به‌ویژه تربیت فرزندان است. با مراجعه به سیره اهل بیت (ع) معلوم می‌شود که آنان سبک ویژه‌ای در تربیت فرزندان داشته‌اند که در آن، اصول و روش‌های تربیتی خاصی به‌کار گرفته‌اند. این مقاله در صدد است تا پس از بیان تعریفی از اصول تربیت، برخی از مهم‌ترین اصول تربیتی اهل بیت (ع) در تربیت فرزندان را بررسی کند.

تعریف اصول تربیت

تعاریفی در مورد اصول تربیت مطرح شده است؛ از جمله: «دستورالعمل‌های کلی که راهنمای عمل هستند» (ر.ک: باقری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۷)؛ «مجموعه قواعد کلی تربیتی که براساس مبانی و اهداف تربیتی و رابطه آن دو، انتزاع و انشاء می‌شوند و راهنمای عمل معلم، مربی و والدین قرار می‌گیرند» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹)؛ «گزاره‌های تجویزی که از اهداف و مبانی به‌دست می‌آیند و راهنمای روش‌ها و فعالیت‌ها در تعلیم و تربیت هستند» (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۹۱)؛ بنابراین، می‌توان گفت که: «اصول تربیت، قواعد و دستورالعمل‌های کلی است که فعالیت‌ها و تدابیر مربی برای دستیابی به اهداف تربیت را راهبری و هدایت می‌کند» (ر.ک: بناری، ۱۳۸۸، ص ۷۲). البته باید توجه داشت همان‌گونه که در تعاریف نیز اشاره

شد؛ اصول تربیت، قواعد و باید و نبایدهای کلی است که از مبانی به عنوان هست‌ها گرفته می‌شود و کلی بودن، ویژگی مهم اصول است؛ اما این کلیت در همه اصول یکسان نیست، بلکه ممکن است دایره شمول برخی اصول از برخی دیگر بیشتر باشد (ر.ک: مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۹۱-۲۹۳)؛ ضمن آنکه ممکن است برخی اصول، ناظر به دوره سنی خاصی از تربی باشد.

پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در مقام مربیان جامعه اسلامی، در تربیت افراد از اصول تربیتی متعددی بهره گرفته‌اند که در این مقاله، برخی از مهم‌ترین آنها بررسی می‌شود.

۱. اصل زمینه‌سازی

انجام امور به فراهم کردن زمینه‌ها، مقدمات و شرایط پیشینی وابسته است و بدون فراهم شدن زمینه‌ها و شرایط لازم، تحقق امور به نحو مطلوب و مفید امکان‌پذیر نیست. تربیت، امری پیچیده و چندبعدی است و عوامل و زمینه‌های متعدد و متنوع در آن تأثیرگذار است؛ از این رو، هیچ برنامه تربیتی بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم به اهداف بایسته خود دست نمی‌یابد. مفاد اصل زمینه‌سازی آن است که برای تحقق هر امر تربیتی باید ابتدا شرایط و زمینه‌های متناسب با آن فراهم گردد و این یک قاعده کلی و فراگیر است.

در سیره و نگاه اهل بیت(ع)، تربیت فرایندی با مراحل گوناگون است و اصل زمینه‌سازی در همه این مراحل، ساری و جاری است؛ از این رو، برای هر مرحله، فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی زمینه‌ساز طراحی شده است که بدون توجه به آنها، موفقیت در مراحل بعدی امکان‌پذیر نیست؛ در این نگاه، بخشی از شرایط و زمینه‌های تربیت، به پیش از تولد فرزند و بلکه هنگام انتخاب همسر برمی‌گردد و بخشی به دوره کودکی و نوجوانی که به گونه‌ای فرد را برای دوره بلوغ و بزرگسالی آماده می‌سازد؛ چنان‌که امام صادق(ع) فرمود: «لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد: فرزندم اگر در کودکی ادب آموختی، در بزرگی از آن بهره خواهی برد...»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۴۱۹). در ادامه به اختصار، به برخی از این اقدامات زمینه‌ساز که از آنها اصل کلی زمینه‌سازی استخراج می‌شود، اشاره می‌گردد:

۱. ملاک انتخاب اصول، کثرت کاربرد و وجود شواهد و ادله بیشتر بر آنها بوده است.

۲. یا بنی ان تأدبت صغیرا انتفعت به کبیراً.

در مورد انتخاب همسر، به مردان سفارش می‌شود تا همسرانی انتخاب کنند که در آینده مادرانی صالح و شایسته برای فرزندانشان باشند. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «در انتخاب همسر [به دقت تأمل کن که فرزند [آینده‌ات] را در چه جایگاهی قرار می‌دهی...»^۱ (الآبشیهی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۱۸) و در حدیث دیگری فرموده‌اند: «برای نطفه‌های خود [جایگاه مناسبی] انتخاب کنید»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۹).

در سیره اهل بیت (ع) انتخاب همسر شایسته جایگاه ویژه‌ای دارد و ایشان مادران شایسته‌ای را برای فرزندانشان انتخاب می‌کرده‌اند. برای نمونه علی بن مهزیار از امام هادی (ع) نقل می‌کند که درباره مادر بزرگوار خود فرمودند: «مادرم به حق من عارف، و اهل بهشت بود؛ شیطان سرکش به او نزدیک نمی‌شد و مکر ستمگر لجوج به او نمی‌رسید؛ در پناه چشم همیشه بیدار خدا بود و در ردیف مادران انسان‌های صدیق و صالح قرار داشت»^۳ (طبری آملی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۱۰، ح ۳۶۹).

بعد از انتخاب همسر، در مرحله آمیزش با همسر و انعقاد نطفه، اهل بیت (ع) برای داشتن فرزندی سالم و دارای شخصیت متعادل در آینده، دستورالعمل‌های ویژه‌ای را به والدین توصیه می‌کنند؛ از جمله امام باقر (ع) می‌فرمایند: «هنگامی که قصد آمیزش کردی، بگو: خدایا فرزندی پاکیزه و سالم به من عطا کن و او را عاقبت به خیر گردان»^۴ (طوسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۴۱۱).

علاوه بر اینها در اسلام، دستورالعمل‌های متعددی درباره زمان، مکان و چگونگی حالات والدین در هنگام انعقاد نطفه وجود دارد که در کتاب‌های فقهی با عنوان «مکروهات و مستحبات آمیزش» مطرح شده‌اند و رعایت آنها زمینه‌ساز تربیت مطلوب فرزند خواهد بود (برای نمونه، ر.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ص ۸۰۱-۸۰۰؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۸).

در دوره بارداری نیز که یکی از مراحل زمینه‌ساز تربیت در بعد از تولد به‌شمار می‌آید، بر نکاتی چون تغذیه مادر و نوع آن تأکید شده و از تأثیر برخی خوراکی‌ها در

۱. «انظر فی ای شیء تضع ولدک ...»

۲. «اختارو لنطفکم»

۳. آنه قال: أمی عارفة بحقی و هی من أهل الجنة لا یقرُّها شیطانُ مارِدٌ و لا ینالُها کیدُ جبارٍ عنیدٍ و هی مکلؤة و بعین الله الّتی لاتنامُ و لا تنفلتُ عن أمهات الصّدیقین و الصّالحین.

۴. از اردت الجماع فقل: اللهم ارزقنی ولداً تقیا لیس فی خلقه زیاده و لا نقص و اجعل عاقبته الی الخیر.

رفتار و شخصیت آینده جنین سخن به میان آمده است. برای نمونه سفارش شده است که به همسرانتان در هنگام بارداری، میوه «به» بدهید تا اخلاق فرزندانتان نیکو گردد^۱ (نوری، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۶۱۹). همچنین پیامبر اکرم(ص) بر استفاده زنان باردار از «کندر» تأکید کرده‌اند: «به همسرانتان در هنگام بارداری، کندر بدهید؛ زیرا باعث زیاد شدن عقل کودکان می‌گردد»^۲ (همان). همچنان‌که آن حضرت بر خوردن خرما در آخرین ماه بارداری سفارش کرده‌اند: «در ماه پایانی بارداری به همسرانتان خرما می‌تازه بدهید. در این صورت، فرزند بردبار و پاکیزه به دنیا خواهد آمد»^۳ (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۸).

بعد از تولد فرزند نیز اسلام دستورالعمل‌های ویژه‌ای برای نوزاد دارد که از نخستین لحظه تولد آغاز می‌گردد؛ برای نمونه رسول خدا(ص) فرموده‌اند: بعد از تولد نوزاد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفته شود (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۱۳۶).

افزون بر این، سنت‌های دیگری در هفت روز اول تولد کودک و به‌ویژه روز هفتم وارد شده است؛ از جمله: کام برداشتن نوزاد با تربت امام حسین(ع)، آب فرات و خرما (همان، ص ۱۳۸)، انتخاب نام نیکو برای او (همان، ص ۱۴۰)، عقیقه کردن برای نوزاد (همان)، تراشیدن سر و طلا یا نقره دادن معادل وزن موهای سر نوزاد (همان) و ولیمه دادن به میهمانان و همسایگان (همان، ص ۱۴۲).

در مرحله تمییز که کودک خوبی را از بدی تشخیص می‌دهد و آمادگی بیشتری برای آشنایی عملی با احکام و دستورات دینی پیدا می‌کند، فعالیت‌های زمینه‌ساز برای مرحله بلوغ سفارش شده است که از جمله آنها، تمرین نماز خواندن و روزه گرفتن است. امام صادق(ع) در این زمینه فرموده‌اند: «ما فرزندانمان را از پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم، اما شما کودکانمان را از هفت سالگی به نماز دستور دهید...»^۴ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰۹).

روشن است که در پنج یا هفت سالگی، نماز بر کودک واجب نیست و بعد از بلوغ خواندن نماز واجب می‌گردد؛ اما برای اینکه فرزندان در هنگام بلوغ به یکباره با احکام

۱. اطعموا حبالکم السفرجل فانه یحسن اخلاق اولادکم.

۲. اسقوا نسائکم اللبن فانها تزید فی عقل الصبی.

۳. اطعموا المرأة فی شهرها الذی تلد فیہ التمر فان ولدها یكون حلیماً تقیاً.

۴. انا نأمر صبیاننا بالصلاة اذا كانوا بنی خمس سنین فمرو صبیانکم بالصلاة اذا كانوا ابناء سبع سنین.

متعدد نماز مواجه نشوند و رعایت آنها برایشان سخت نباشد، حضرت دستور می‌دهند که پیش از بلوغ، فرزندان را با نماز خواندن آشنا کنید و آنان نماز خواندن را تمرین کنند تا به تدریج زمینه انس و عادت به نماز در آنها پدید آید؛ چراکه این زمینه‌سازی در پیش از بلوغ به رویارویی درست آنان با نماز در بعد از بلوغ کمک می‌کند.

همچنین، حلبی از امام صادق (ع) در مورد روزه گرفتن فرزندان نقل می‌کند که فرمودند: «ما فرزندان خود را در هفت‌سالگی، در حدی که تاب و توان آن را دارند به روزه گرفتن وا می‌داریم؛ گرچه در وسط روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه می‌کند، افطار می‌کردند و این دستور به روزه گرفتن به این دلیل بود که بر روزه گرفتن، انس و عادت و توانایی پیدا کنند. پس شما فرزندان خود را در نه سالگی به روزه گرفتن وادارید و به هر اندازه که ایشان توانستند روزه بگیرند و اگر تشنگی بر آنها غلبه کرد، افطار کنند»^۱ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰۹).

ملاحظه می‌شود که در همه این مراحل تربیتی، از هنگامی که فرد قصد انتخاب همسر و در واقع مادر برای فرزندش را دارد تا آستانه بلوغ فرزند، اصل زمینه‌سازی حاکمیت و شمول دارد و فعالیت و اقدامات هر مرحله، زمینه موفقیت بیشتر در مراحل بعدی را فراهم می‌کند تا هنگامی که فرزند به بلوغ و استقلال شرعی و عرفی می‌رسد و به صورت مستقل وارد جامعه شود تا عضوی مؤثر و مفید برای جامعه باشد.

۲. اصل پیشگیری

همچنان‌که برای انجام صحیح امور، زمینه‌ها و شرایطی وجود دارد، عوامل مخلی نیز وجود دارد که مانع از تحقق صحیح آنها می‌گردد. انسان، موجودی دوقطبی است که به دلیل زمینه‌های خیر و شر در وجودش می‌تواند شاکر یا ناسپاس باشد.^۲ برای اینکه انسان تحت تأثیر عوامل منفی قرار نگیرد و جنبه‌های منفی بر او غلبه نکند، باید برنامه تربیتی خود را به گونه‌ای طراحی و مدیریت کند که از تأثیر عوامل منفی درامان باشد. برای این کار به برنامه‌های پیشگیرانه تربیتی نیاز دارد و باید پیش از آنکه این عوامل مخل به ظهور برسند، زمینه‌های تحقق آنها را از بین ببرد. اصل پیشگیری، ناظر به همین

۱. نحن نامر صبیاننا بالصوم اذا كانوا بنی سبع سنین بما اطاقوا من صیام الیوم، ان کان الی نصف النهار، او اکثر من ذلک او اقل فاذا غلبهم العطش والفرط افطروا، حتی یتعودوا الصوم و یطیقوه، فمروا صبیانکم اذا كانوا بنی تسع سنین بالصوم ما استطاعوا من صیام الیوم، فاذا غلبهم العطش افطروا.
 ۲. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». (دهر، ۳)

امر است. براساس این اصل، باید در مسیر رشد و تعالی متربی، پیوسته در کنار عوامل مؤثر در رشد و تعالی او، به عوامل مخل و موانع رشد وی نیز نظر داشت و از پیدایش موانع و تأثیرگذاری عوامل مخل تربیتی پیشگیری کرد تا متربی در شرایط و محیط سالم و به دور از آلودگی، در رشد و پرورش خود نقش آفرینی کند. اهل بیت(ع) در سیره تربیتی خود به موازات اهتمام به فراهم کردن شرایط و زمینه‌سازی‌ها، درباره تأثیر عوامل منفی نیز هشدار می‌داده‌اند و در مراحل مختلف سنی و بلکه سال‌ها پیش از تولد فرزند، اهتمام ویژه به این اصل داشته‌اند.

در روایات معصومان(ع) از انتخاب همسر ناصالح نهی شده است. امام علی(ع) از ازدواج با زن کودن منع کرده‌اند: «از ازدواج با کودن بپرهیزید؛ چراکه مصاحبت با وی بلا و فرزند از او ضایع است»^۱ (کلینی، ۱۳۴۱ق، ج ۵، ص ۳۵۳)؛ همچنین، پیشوایان معصوم(ع) زمینه‌ها و شرایط نامطلوب انعقاد نطفه را بیان کرده‌اند؛ از جمله هم‌بستر شدن در شبی است که انسان قصد مسافرت دارد. امام حسین(ع) خطاب به اصحابش فرمود: «از هم‌بستر شدن با همسرانتان در شبی که قصد مسافرت دارید، بپرهیزید؛ زیرا اگر بر اثر آن فرزندى روزی شود، لوچ خواهد بود»^۲ (لجنة الحدیث فی معهد باقرالعلوم(ع)، ۱۴۱۵ق، ص ۷).

تعذیه حرام نیز از زمینه‌های انحراف و تأثیرگذاری شیطان در نطفه انسان به‌شمار آمده است. در تفسیر عیاشی ذیل آیه «وشاركهم فی الاموال و الاولاد» (اسراء، ۶۴)؛ از امام باقر(ع) نقل شده است: «نطفه‌ای که از مال حرام به‌وجود آید، شیطان در آن سهیم می‌شود»^۳ (عیاشی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۰۰).

همچنین، رسول خدا(ص) والدین را از انتخاب دایه بدکاره و دیوانه برای شیر دادن به نوزاد برحذر داشته‌اند: «از شیر زنان بدکاره و دیوانه برای فرزندانتان پرهیز کنید؛ زیرا شیر، اثر خود را می‌گذارد»^۴ (طبسی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶۲).

همچنین پیامبر(ص) درباره پیشگیری از تأثیر القاب و برجسب‌های زشت برای فرزندان فرمود: «پیش از آنکه لقب‌های زشت بر فرزندانتان چیره شود، لقب‌ها و کنیه‌های خوب بر آنان بگذارید»^۵ (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۱۹).

۱. اباکم و تزویج الحمقاء فان صحبتها بلاء و ولدها ضیاع.

۲. اجتنبوا الغشبان فی اللیله التي تریدون فیها السفر فان من فعل ذالک ثم رزق ولدا کان احولا.

۳. ما کان من مال حرام فهو من شرکه الشیطان.

۴. توقوا اولادکم لبن البغیة والمجنونه فان اللبن یعدی.

۵. بادروا اولادکم بالکنی قبل ان تغلب علیهم الالقاب.

امیرالمؤمنین (ع) در سفارشی به فرزند خود، امام حسن مجتبی (ع)، ضمن اشاره به امکان سخت‌شدن دل فرزند در بزرگی، بر اهمیت پیشگیری از آن در دوره نوجوانی تأکید کردند و فرمودند: «به درستی که دل نوجوان چون زمینی آماده و کشت نشده است و آماده پذیرش هر بذری است که در آن افکنده شود؛ پس به تربیت تو شتافتم پیش از آنکه دلت سخت شود و خاطرت به چیزی اشتغال یابد»^۱ (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

همچنین، یکی از موضوعات مهم مربوط به فرزندان در دوره تمییز جنسی است که اهل بیت (ع) به منظور پیشگیری از برخی پیامدهای منفی، درباره جداسازی بستر خواب فرزندان از یکدیگر تأکید کرده‌اند. پیامبر (ص) در این زمینه فرموده‌اند: هنگامی که فرزندان به هفت سالگی رسیدند، بستر آنان را از یکدیگر جدا سازید»^۲ (مقتی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۱).

در دوره تمییز و آستانه بلوغ، فرزند کم‌کم به استقلال در دیدگاه و انتخاب مسیر مورد علاقه خود نزدیک می‌شود و در معرض نظرها و دیدگاه‌های گوناگون قرار می‌گیرد؛ در چنین شرایطی، والدین باید زمینه انتخاب درست را برای فرزندان فراهم سازند و پیش از آنکه اندیشه‌ها و افکار انحرافی و ناصحیح، آنها را به انحراف کشاند، آنان را با اندیشه‌های ناب آشنا سازند و از شکل‌گیری هرگونه انحراف فکری و عقیدتی در آنان پیشگیری کنند. امام صادق (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «روایات اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در این کار شتاب کنید، پیش از آنکه دشمنان گمراه بر شما پیشی گیرند [و افکار نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند]»^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۴۷؛ ج ۱۵، ص ۱۹۶ و ج ۱۸، ص ۶۲).

توجه به اصل پیشگیری، در مقاطع سنی بالاتر نیز کاربرد دارد؛ چنان‌که یکی از دغدغه‌های مهم فرزندان در دوره جوانی، انتخاب شغل مناسب است. در روایات اهل بیت (ع) نیز انتخاب شغل مناسب که جایگاه اجتماعی مناسبی را برای جوانان به ارمغان می‌آورد، یکی از حقوق فرزند معرفی شده است. امام کاظم (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «شخصی [با فرزندش] خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، حق این فرزند بر من چیست؟ حضرت فرمود: نام نیکو برایش انتخاب کن، او را ادب بیاموز و در موقعیتی نیک قرارش ده [جایگاه اجتماعی مناسب برایش فراهم ساز]». (طوسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۳۶۲).

۱. وانما قلب الحدیث كالارض الخیاله ما القی فیها من شیء قبلته فبادرتك بالادب قبل ان یقسموا قلبك ویشتغل لبك.

۲. «اذا بلغ اولادکم سبع سنین ففرقوا بین مضاجعهم».

۳. بادروا احدائکم بالحدیث قبل ان تسبقکم الیهم المرجئه.

در حدیث دیگری می‌فرماید: شخصی همراه فرزندش خدمت پیامبر(ص) رسید و گفت: یا رسول‌الله! من به فرزندم نوشتن آموختم، او را به چه کاری گمارم؟ حضرت فرمود: او را به کاری گمار که خشنودی خداوند در آن است و از پنج شغل بازدار: سیائی، صائغی، قصابی، حنطی و نحاسی. مرد پرسید: سیاء کیست؟ فرمود: کسی که کفن می‌فروشد و برای امتم آرزوی مرگ می‌کند. همانا نوزاد امت من، نزد من از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، محبوب‌تر است. صائغ کسی است که در پی زیان امت من است. قصاب ذبیح می‌کند تا آنکه رحمت از قلبش می‌رود. حنط کسی است که غذا را احتکار می‌کند. همانا اگر خداوند، محتکر را در حال دزدی مشاهده کند، بهتر است از اینکه او را چهل روز در حال احتکار ببیند. اما نحاس (برده‌فروش)؛ جبرئیل نزد آمد و فرمود: ای محمد! بدترین امت کسانی‌اند که مردم را می‌فروشند (عطاردی قوچانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹۱).

نوع شغلی که فرزندان انتخاب می‌کنند، تأثیر زیادی در آینده و تربیت آنان دارد؛ از این رو، والدین وظیفه دارند که زمینه شغل مناسب را برای فرزندان فراهم کنند و آنان را از انتخاب شغل‌های نامناسب که دارای پیامدهای منفی برای آنهاست، برحذر دارند. اسحاق بن عمار گوید: به محضر امام صادق(ع) شرفیاب شدم و به آن حضرت اطلاع دادم که صاحب فرزندی شده‌ام... به امام عرض کردم: هنگامی که بزرگ شد، چه شغلی برایش انتخاب کنم؟ حضرت فرمود: «فرزندت را از پنج شغل برحذر دار و به هر شغل دیگری که خواستی بگمار؛ او را نزد صراف مفرست؛ زیرا صراف از ربا در امان نیست. نزد کفن فروش مفرست؛ زیرا کفن فروش بسیار خرسند می‌شود که و با بیشتر شود (تا مرگ و میر زیاد شود و کفن‌های بیشتری به فروش برساند). نزد فروشنده مواد غذایی مفرست؛ زیرا فروشنده مواد غذایی از احتکار ایمن نخواهد بود. همچنین پیش قصاب مفرست؛ زیرا (در اثر سر بردن مکرر حیوانات) رحم و عاطفه از او رخت بر بسته است و نیز نزد برده‌فروش مگذار؛ زیرا پیامبر فرمود: پست‌ترین مردم کسی است که انسان‌ها را خرید و فروش می‌کند.^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۹۸).

۳. اصل تکریم

خداوند، انسان را موجودی باکرامت و دارای حرمت آفرید. در احکام و دستورات

۱. اذا عدلته (عزلته) عن خمسة اشياء فضعه حيث شئت، لاتسلمه صيرفيا فان الصيرفي لايسلم من الربا، ولا تسلمه بياع اكفان، فان صاحب الاكفان يسره الوباء اذا كان، و لاتسلمه بياع الطعام فانه لايسلم من الاحتكار، و لاتسلمه جزارا فان الجزار تسلب منه الرحمه و لاتسلمه نخاسا فان رسول الله قال: شر الناس من باع الناس.

دینی نیز پیوسته بر حفظ کرامت و حرمت انسان تأکید شده است؛ به گونه‌ای که حرمت مؤمن بالاتر از حرمت کعبه به حساب آمده است و تا مادامی که خود مؤمن، کاری انجام نداده باشد که موجب از بین رفتن حرمتش شود، هتک حرمت او جایز شمرده نشده است. انسانی که از حرمت نفس کافی برخوردار باشد، از گناه و نابهنجاری به دور خواهد بود. امیرمؤمنان، علی(ع) فرموده است: «کسی که دارای احترام نفس باشد، شخصیت خود را با گناه بی‌ارزش نمی‌کند» (آمدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۱۲).

از این رو، هر برنامه تربیتی باید مبتنی بر اصل حفظ حرمت متربی طراحی و اجرا گردد؛ چراکه انسان پیوسته در تلاش است تا به کرامت انسانی و جایگاه شایسته خود در اجتماع دست یابد؛ بنابراین، هرگونه اقدام رفتاری که موجب تضعیف و خدشه‌دار شدن حرمت او گردد، وی را از این روند بازمی‌دارد و زمینه نابهنجاری و بزهکاری را در او تقویت می‌کند. در این صورت، نمی‌توان از او بروز رفتارهای درست را انتظار داشت. امیرمؤمنان، علی(ع) در این زمینه فرموده است: «من هانت علیه نفسه فلا ترح خیره؛ کسی که نفسش بر وی خوار شد، امید نیکی از او نداشته باش» (نوری، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۳۳۹).

حفظ حرمت در همه مقاطع سنی مهم است، اما در مقطع کودکی و نوجوانی فرزند که زمان شکل‌گیری شخصیت اوست، اهمیتی ویژه می‌یابد. در سیره و کلام اهل بیت(ع) نیز بر حفظ حرمت افراد، به ویژه فرزندان و تکریم شخصیت آنان تأکید شده است. رسول گرامی اسلام فرموده‌اند: فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو گردانید که بخشیده خواهید شد^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۱۹۵). آن حضرت در عمل خود نیز به این سخن وفادار بودند و برای فرزندان، فاطمه زهرا(س) احترام ویژه‌ای قائل بودند؛ به گونه‌ای که نقل شده است: هرگاه فاطمه(س) نزد پیامبر(ص) می‌آمد، پیامبر(ص) به احترام او می‌ایستاد و او را می‌بوسید و در جای خویش می‌نشاند^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۷۱). ایشان در هر موقعیتی با نوه‌های خود، امام حسن و امام حسین(ع) رفتار احترام‌آمیز داشته‌اند؛ چنان‌که عبدالعزیز در این باره نقل می‌کند: «پیامبر(ص) نشسته بود [که] حسن و حسین(ع) به سوی آن حضرت آمدند. پیامبر(ع) وقتی آنها را دید، به احترام ایشان ایستاد [و] چون به کندی حرکت می‌کردند، پیامبر(ص) به استقبال آنان رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: چه مرکب

۱. «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهَنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ».

۲. اگر موا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفر لکم

۳. «کانت إذا دخلت علی النبی قام إليها فقبلها و أجلسها فی مجلسه».

خوبی دارید و چه سواران خوبی هستید...»^۱ (همان، ج ۴۳، ص ۱۸۳).
 امام حسن مجتبی(ع) نیز گاهی به احترام کودکان مدینه، دعوت آنان را می‌پذیرفت و در جمعشان حاضر می‌شد و گاه آنان را به خانه خود دعوت و احترام می‌کرد؛ «روزی امام حسن(ع) از کنار کودکانی که سرگرم بازی بودند، می‌گذشت و کودکان در حالی که تکه نانی در دست داشتند و می‌خوردند، امام حسن(ع) را به خوردن نان دعوت کردند. امام[ع] دعوت آنها را پذیرفت و با آنها غذا خورد؛ سپس کودکان را به منزل خویش برد و به آنها غذا و لباس داد و فرمود: دعوت آنها از دعوت من ارزشمندتر بود؛ زیرا آنها هرچه داشتند به من دادند، ولی من بیش از آنچه به آنها دادم، دارم^۲ (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸).

امام رضا(ع) نیز برای احترام به فرزندش، امام جواد(ع)، ایشان را با نام صدا نمی‌کردند؛ بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرار می‌دادند. برای مثال می‌فرمودند: «... ابو جعفر برای من نوشته است و من برای ابو جعفر نوشتم...». (صدوق، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۹۶).

۴. اصل توجه به توانایی و ظرفیت متربی

فرزندان در مقاطع مختلف سنی، ظرفیت و توانمندی‌های متفاوتی دارند؛ ضمن اینکه تفاوت‌های فردی و جنسیتی در هر مقطع سنی، واقعیتی انکارناپذیر است و بدون توجه به این واقعیت‌ها و ظرفیت‌ها، طراحی برنامه تربیتی در مسائل مرتبط با آنان، امری عقیم و بی‌ثمر خواهد بود؛ از سوی دیگر، فرزندان به‌ویژه در دوره کودکی و نوجوانی، با محدودیت‌های خاصی روبه‌رو هستند و توانایی انجام دادن هر نوع فعلیتی را ندارند. براساس اصل توجه به توانمندی‌های فرزندان باید واقعیت‌های مربوط به آنان را در نظر گرفت و سطح انتظارات را متناسب با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آنان تنظیم کرد.

پیامبر اکرم(ص) در این زمینه فرموده‌اند: «خداوند رحمت کند کسی را که فرزند خود را در نیکو شدنش یاری دهد. سؤال شد که چگونه می‌تواند او را در نیکو شدنش یاری دهد؟ حضرت فرمودند: کاری را که در حد توان اوست و انجام داد، از وی بپذیرد و از کاری که انجام دادن آن برایش سخت است، درگذرد؛ او را به کاری بیش از توانش و ندارد

۱. أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (ع) فَلَمَّا رَأَاهُمَا النَّبِيُّ قَامَ لَهُمَا وَاسْتَبْطَأَ بُلُوغَهُمَا إِلَيْهِ فَاسْتَقْبَلَهُمَا وَحَمَلَهُمَا عَلَى كَتِفَيْهِ وَقَالَ نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيئُكُمْمَا وَنِعْمَ الرَّكْبَانُ أَنْتُمَا ...

۲. مر الحسن بن علی(ع) بصبيان يالعبون و بين ايديهنم كسر خبز ياكلونها فدعوه فتنزل و اكل معهم ثم حملهم إلى منزله فأطعمهم و كساهم و قال الفضل لهم لأنهم لم يجدوا غير ما أطعموني و نحن نجد أكثر مما أطعمناهم.

و وی را نادان نپندارد»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۱۹۹).

در سیره و کلام اهل بیت این اصل، جایگاه ویژه‌ای داشته است. آنان در سیره عبادی خود به گونه‌ای با فرزندان رفتار می‌کردند که انجام عبادات بر آنان سخت نباشد و آنچه را در حد توان و ظرفیت آنها نبود، بر ایشان تحمیل نمی‌کردند. برای نمونه در سیره امام سجاده (ع) آمده است: «[امام سجاده (ع)] کودکانی را که نزد او بودند وامی‌داشت که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را باهم بخوانند. به آن حضرت اعتراض شد. فرمود: این عمل برای آنها سبک‌تر و بهتر است و سبب می‌شود که به خواندن نماز پیشی بجویند و به دلیل خواب یا سرگرمی به کار دیگر، نماز را ضایع نسازند. امام، کودکان را به چیز دیگری غیر از نماز واجب دستور نمی‌داد و می‌فرمود: اگر قدرت و طاقت بر خواندن نمازهای واجب داشتند، آنان را محروم نسازید»^۲ (نوری، ۱۳۸۳ق، ج ۱۵، ص ۱۶۰).

همچنین، حلبی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: «ما فرزندان خود را در هفت سالگی در حدی که توان آن را دارند، به روزه گرفتن وامی‌داریم؛ گرچه در وسط روز یا بیش از آن و یا کمتر از آن و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه می‌کرد، افطار می‌کردند [و این دستور به روزه گرفتن، به این دلیل بود که] به روزه گرفتن انس، عادت و توانایی پیدا کنند. پس شما فرزندان خود را در نه سالگی به روزه گرفتن وادارید و ایشان به هر اندازه که توانستند، روزه بگیرند و اگر تشنگی بر آنها غلبه کرد، افطار کنند»^۳ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰۹).

۵. اصل تدریج

انسان موجودی است که از عوامل، زمینه‌ها و شرایط پیرامون خود تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر، دفعی و یکباره نیست؛ بلکه به صورت تدریجی و مرحله‌ای است. مفاد اصل تدریج، آن است که همه برنامه‌ها و اقدامات تربیتی که مربیان و والدین با هدف تأثیرگذاری مثبت بر متربیان و فرزندان خود طراحی و تدوین می‌کنند، باید به صورت

۱. رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَوَدَّ عَلَىٰ بَرِّهِ (قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَىٰ بَرِّهِ؟) قَالَ: يَقِيلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ.

۲. انه كان يأخذ من عنده من الصبيان بان يصلوا الظهر والعصر في وقت واحد والمغرب والعشاء في وقت واحد فقبل له في ذلك فقال: هو اخف عليهم واجدر ان يسارعوا اليها ولا يضيعوها ولا يناموا عنها ولا يشتغلوا و كان لا يأخذهم بغير الصلاه المكتوبه و يقول: اذا اطاقوا الصلاه فلا تؤخروهم عن المكتوبه.

۳. نحن نأمر صبياننا بالصوم اذا كانوا بنى سبع سنين بما اطاقوا من صيام اليوم، ان كان الي نصف النهار، او اكثر من ذلك او اقل فاذا غلبهم العطش والفرط افطروا حتى يتعودوا الصوم و يطبقوه، فمروا صبيانكم اذا كانوا بنى تسع سنين بالصوم ما استطاعوا من صيام اليوم، فاذا غلبهم العطش افطروا.

تدریجی و گام به گام و متناسب با شرایط و نیازهای سنی، جنسیتی و رشد متریبان تنظیم و اجرا گردد. امام باقر(ع) در این باره فرموده است: «هنگامی که کودک به سه سالگی رسید، به او بگویند هفت مرتبه بگوید "لا اله الا الله" [تا بیاموزد]. در چهار سالگی به او بگویند که هفت مرتبه بگوید "محمد رسول الله" [تا یاد بگیرد]. در پنج سالگی رویش را به قبله متوجه کنند و به او بگویند که سر به سجده بگذارد. در پایان شش سالگی رکوع و سجده صحیح را به او بیاموزند و در هفت سالگی به طفل گفته شود: دست و رویت را بشوی؛ و پس از آن به او گفته شود: نماز بخوان»^۱ (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۵).

همچنین، عبدالله بن فضاله می گوید: از امام صادق یا امام باقر(ع) شنیدم که می فرمود: «کودک را تا هفت سالگی به حال خود می گذارند. پس هنگامی که هفت سالش تمام شد، به او گفته می شود که صورت و دستانت را بشوی و اگر چنین کرد، بار دیگر رهائش می کنند تا اینکه نه ساله شود، پس هنگامی که نه سالش تمام شد، وضو یادش دهند و برای وضو گرفتن [اگر سرپیچی کند] او را بزنند؛ همچنین به نماز وادارش می سازند و بر خواندن نماز [اگر سرباز زند] او را بزنند. پس چون وضو و نماز یاد گرفت، خداوند پدر و مادرش را خواهد بخشید، ان شاء الله»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۸، ص ۱۳۲).

در این حدیث شریف، به مراحل آشنا کردن کودک با وضو و نماز و لزوم مرحله بندی این کار اشاره شده است. اگر والدین چنین کنند و ظرفیت و توان فرزند در نظر گرفته شده باشد و درعین حال، فرزند در این امر کوتاهی کند، می توان بر او سخت گرفت و حتی او را در حدی که پیامد منفی به همراه نداشته باشد، تنبیه کرد.

۶. اصل آزادی و پرهیز از تحمیل

انسان موجودی صاحب اراده و اختیار است و در شرایط طبیعی، براساس انتخاب خود، رفتار و عمل می کند و از هر نوع تحمیل و اجبار گریزان است؛ از همین روی، رفتاری که براساس تحمیل و اجبار از خود بروز می دهد، دوام نخواهد داشت و انجام آن، محدود به دوره اجبار و تحمیل است، اما این امر را در دوره کودکی و به ویژه

۱. إذا بلغ الغلام ثلاث سنين فقل له سبع مرات قل لا إله إلا الله ثم يترك حتى يبلغ ثلاث سنين و سبعة أشهر و عشرين يوماً ثم يقال له قل محمد رسول الله سبع مرات و ...

۲. يترك الغلام حتى يتم له سبع فاذا تم له سبع سنين قيل له اغسل وجهك و كفيك فاذا غسلها قيل له صل ثم يترك حتى يتم له تسع سنين، فاذا تمت له علم الوضوء و ضرب عليه و بالصلاة و ضرب عليها، فاذا تعلم الوضوء و الصلاة غفر الله لوالديه ان شاء الله.

هفت سال اول، از زاویه‌ای دیگر می‌توان بررسی کرد؛ چراکه کودک در این دوره، هنوز به حد تمییز و تشخیص خوبی از بدی و سود از زیان نرسیده و بسیاری از هنجارها و ناهنجارها برای او نامفهوم است. مفاد اصل آزادی و پرهیز تحمیل بر کودک آن است که کودک باید آزادی عمل داشته باشد و متناسب با اقتضائات سنی او اجازه انجام فعالیت‌های گوناگون به وی داده شود و از اعمال محدودیت درباره او و امر و نهی به او و تحمیل آداب و هنجارهایی که برایش درک کردنی نیست، پرهیز کرد.

در سیره و کلام پیشوایان معصوم (ع) به مفاد این اصل توجه شده و هفت سال اول زندگی کودک، دوره آزادی و بازی او به حساب آمده است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «دع ابنک یلعب سبع سنین...؛ فرزندت را در هفت سال اول آزاد بگذار تا بازی کند...» (کافی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۸). تجربه فعالیت‌های گوناگون و بازیگوشی کودک در این دوره سنی، نه تنها مضر و منفی نیست، بلکه آثار مثبتی از قبیل بردباری و تقویت عقل کودک در بزرگسالی را در پی دارد.

از همین روست که در روایات، این وضعیت، مطلوب به شمار آمده و بر آن تأکید شده است. از امام کاظم (ع) نقل شده است که فرمود: «سزاوار است بچه در کودکی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی بردبار گردد و شایسته نیست که جز این باشد»^۱ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۵۱)؛ همچنین پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: بازیگوشی کودک در خردسالی‌اش، مایه فزونی عقل او در بزرگسالی است»^۲ (ابن حیون، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

به دلیل اهمیت این اصل، در برخی روایات، از هفت سال اول به دوره سیادت و آقایی کودک یاد شده است؛ چنان‌که پیامبر (ص) فرمودند: فرزند هفت سال سرور، هفت سال فرمان‌بردار، و هفت سال وزیر است»^۳ (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۲۲). این توصیف از کودک، اقتضا دارد که نه تنها از تحمیل و اجبار بر کودک پرهیز کرد، بلکه در خدمت او بود و زمینه تحقق خواسته‌ها و علاقه‌های غیر مضر وی را نیز فراهم کرد.

همچنین، در دسته‌ای از روایات، پس از گذشت هفت سال اول، بی‌درنگ بر آموزش حلال و حرام به کودک تأکید شده است؛ از جمله امام صادق (ع) فرمود: «پسر بچه هفت سال بازی می‌کند؛ هفت سال نوشتن را فرا می‌گیرد و هفت سال حلال و حرام را

۱. تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ، مَا يَتَّبَعِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.

۲. «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ».

۳. «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ».

می‌آموزد»^۱ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۷). از این روایت استفاده می‌شود که زمان آموزش خواندن و نوشتن و تعلیم مسائل دینی و دیگر هنجارهای اجتماعی، از هفت سال دوم آغاز می‌شود و پیش از هفت سال دوم نباید در مورد مسائل دینی و اخلاقی و دیگر هنجارهای اجتماعی بر کودک سخت گرفت و به این امر در سیره امامان معصوم(ع) توجه شده است؛ چنان‌که ام‌خالد می‌گوید: «در حالی که پیراهنی زرد پوشیده بودم، با پدرم خدمت پیامبر(ص) رسیدم. پیامبر(ص) فرمود: «سنه، سنه» که به زبان حبشی یعنی چه نیکو! من در این حال به بازی با انگشتر پیامبر(ص) مشغول شدم؛ پدرم با درشتی مرا از این کار بازداشت. پیامبر(ص) فرمود: رهائش کن [او را بگذار؛ بازی کند]^۲ (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۳۶).

بنابراین، مهم است که کودک در هفت سال اول آزاد باشد و فرصت تجربه‌های متعدد و متنوع کودکانه را پیدا کند و از تحمیل آداب و رفتارها بر او پرهیز شود. البته باید توجه داشت که معنای اصل آزادی و پرهیز از تحمیل، آزادی مطلق و منافی حقوق دیگران نیست؛ چراکه آزادی کودک نباید به سلب آزادی دیگران منجر شود؛ بلکه کودک در مواردی لازم است هرچند ابتدایی، با حدود مجاز و غیرمجاز فعالیت‌ها آشنا شود؛ اما در هر صورت نباید بر او سخت گرفت و چیزی را که در حد درک و فهمش نیست، از او انتظار داشت و وی را سرزنش یا تنبیه بدنی کرد.

نتیجه

اصول تربیت که جایگاه ویژه‌ای در نظام تربیت اسلامی دارند؛ عبارتند از: قواعد و گزاره‌های کلی که راهنمای عمل مربی در فرایند تربیت هستند و فعالیت‌ها و اهداف تربیتی در چارچوب آنها تحقق می‌یابد. ویژگی مهم اصول، کلیت و شمول آنهاست، اما این کلیت در همه موارد یکسان نیست بلکه ممکن است دامنه برخی اصول نسبت به اصول دیگر گسترده‌تر باشد؛ همچنان‌که ممکن است برخی از اصول ناظر به دوره سنی خاصی باشد.

در سیره تربیتی امامان معصوم(ع) توجه ویژه‌ای به اصول تربیت فرزندان شده است. در این مقاله، برخی از اصول تربیتی که در سیره پیشوایان معصوم(ع) نمود بیشتری دارد؛ مانند اصل زمینه‌سازی، اصل پیشگیری، اصل تکریم، اصل تدریج، اصل توجه به

۱. الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.

۲. آتیت رسول الله(ص) مع أبي و علي قميص أصفّر قال رسول الله(ص): سنه، سنه و هي بالحشيه حسنه. قال: فذهبت ألعب بخاتم النبوه فزبرني أبي قال رسول الله: دعها.

توانایی و ظرفیت‌متربی و اصل آزادی و پرهیز از تحمیل بر کودک، بررسی شده است که مهم‌ترین یافته‌های حاصل به این شرح است:

۱. امر تربیت فرزند، امری پیچیده، مستمر و پیوسته است. براساس اصل زمینه‌سازی، برای اینکه برنامه‌ها و اقدامات تربیتی مورد نظر والدین، به نحو مطلوب انجام شود و اهداف مورد نظر آنان تحقق یابد، ضروری است که ابتدا شرایط و زمینه‌های لازم برای اجرای این برنامه‌ها را در فرزندان فراهم کنند و این امر در تمام مقاطع سنی مورد توجه قرار گیرد.

۲. براساس اصل پیشگیری، والدین در فرایند تربیت فرزندان، علاوه بر زمینه‌سازی برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی فرزندان؛ به موانع و آسیب‌های احتمالی در فرایند تربیت آنان نیز باید توجه کنند و در هر برنامه و فعالیت تربیتی، ضمن شناسایی این موانع و آسیب‌های احتمالی، از وقوع آنها پیشگیری و فرزندان را از تأثیر آنها حفظ کنند.

۳. مطابق اصل تکریم، والدین باید حرمت فرزندان خود را در هر مقطع سنی نگه دارند و از هر نوع رفتار یا اقدامی که موجب خدشه‌دار شدن حرمت فرزندانشان می‌شود، پرهیزند.

۴. از آنجا که فرزندان در مسیر رشد هستند و در هر مقطع سنی، از توان و ظرفیت خاصی برخوردارند، ضروری است در همه برنامه‌ها، فعالیت‌ها و واگذاری تکالیف تربیتی، این واقعیت در نظر گرفته شود و والدین از سخت‌گیری و توقع تکالیف فراتر از توان و ظرفیت آنان پرهیزند و در حد توان فرزندان از آنان انتظار داشته باشند.

۵. تربیت، امر مستمر و تدریجی است و به‌صورت دفعی محقق نمی‌شود. براساس اصل تدریج، فعالیت‌ها و برنامه‌های تربیتی باید به تدریج و گام به گام و متناسب با شرایط سنی، جنسیتی و رشد فرزندان طراحی و اجرا گردد و فرایند تربیت، در شرایط طبیعی و منطقی و به‌دور از عجله تحقق یابد.

۶. براساس اصل آزادی و پرهیز از تحمیل بر کودک که بیشتر به دوره اول کودکی اختصاص دارد، والدین باید کودک خود را تا پیش از سن تمیز، در انجام فعالیت‌های مورد علاقه خود و داشتن تجربه‌های متعدد و متنوع آزاد بگذارند و از تحمیل رفتارهای اجتماعی و دینی که در حد درک و فهم آنان نیست، پرهیزند.

منابع

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۹)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، انتشارات دارالحديث.
- الأبشيهي، شهاب الدين (۱۴۱۲ق)، *المستطرف في كل فن مستظرف*، بيروت: دار مكتبة الحياة للطباعة والنشر.
- ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۸۵ق)، *شرح نهج البلاغه*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۱۶ق)، *دعائم الاسلام*، بيروت: انتشارات دار الاضواء.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
- بخاری، محمد اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *الصحيح*، بيروت: دارالفکر.
- بناری، علی همت (۱۳۸۸)، *نگرشی بر تعامل فقه و تربیت*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۸۹)، *سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)*، ج ۱ (تربیت فرزند)، ویراست سوم، قم: پژوهشگاه همکاري حوزه و دانشگاه.
- شریفی، احمدحسین و همکاران (۱۳۹۱)، *همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)*، قم: نشر معارف.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۲۹ق)، *من لایحضره الفقیه*، بيروت: انتشارات الامیره.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، *العروة الوثقی*، بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مکارم الاخلاق*، بيروت: دارالحوراء.
- طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق)، *دلائل الامامة*، بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبسی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *درر الأخبار فیما يتعلق بحال الاحتضار*، نجف: مطبعة النعمان.

طوسی، محمدحسن (۱۴۰۶ق)، *تهذیب الاخبار*، ایران: مکتبه آیت‌الله المرعشی العامه.
 عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۴۰۹ق)، *مسند الامام الکاظم ابی‌الحسن موسی بن جعفر(ع)*، مشهد: آستان قدس رضوی.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *تفسیر العیاشی*، قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات
 الاسلامیه.

فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، قم: نشر صبح صادق.
 کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم: پژوهشگاه
 همکاری حوزه و دانشگاه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، *کافی*، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 لجنه الحدیث فی معهد باقر العلوم(ع) (۱۴۱۵ق)، *موسوعه کلمات الامام الحسین(ع)*،
 قم: دارالمعروف.

متقی هندی، علاء‌الدین بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، *المرشد الی کنز العمال فی سنن
 الاقوال و الافعال*، ج ۳، بیروت: مؤسسه الرساله.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مصباح یزدی، محمدتقی و همکاران (۱۳۹۱)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران:
 انتشارات مدرسه.

مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۹۰)، *دین و سبک زندگی*، تهران: دانشگاه امام
 صادق(ع).

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا)، *تحریر الوسیله*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
 نوری، میرزا حسین (۱۳۸۳ق)، *مستدرک الوسائل*، ایران: انتشارات دارالمطبعه الاسلامیه.